

حقوق اقلیت‌ها از منظر اسناد بین‌المللی، اسلام و قانون اساسی ج.ا.ایران

دکتر بهادر زارعی^۱

استادیار دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، گروه جغرافیای سیاسی (نویسنده مسئول)

علی زینی‌وند^۲

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، علوم تحقیقات تهران

کیما محمدی^۳

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، علوم تحقیقات تهران

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۳/۱۵

چکیده

اصطلاح اقلیت از نظر حقوقی شامل آن دسته از گروه‌های انسانی است که معمولاً از جهت حقوقی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در موقعیت و شرایط حاشیه‌ای قرار دارند. امروزه با توجه به اهمیت بین‌المللی اقلیت‌ها، این موضوع به عنوان یک موضوع جهانی و مسئله‌ای برای بسیاری از دولت‌ها مطرح است. ایران دارای اقلیت‌های گوناگون مذهبی، قومی و زبانی است. این اقلیت‌ها در همه دوره‌های تاریخی ایران به دنبال مطالبات حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود بوده‌اند. این پژوهش به دنبال نشان دادن آن است که در سه دهه اخیر اقلیت‌های مذهبی در جمهوری اسلامی ایران از طریق قانون اساسی و فتاوی فقها، به بخش زیادی از حقوق برابر نسبت به ایرانیان مسلمان دست یافته‌اند؛ اگرچه به نظر می‌رسد تا تحقق حقوق برابر با مسلمانان، با توجه به پاره‌ای محدودیت‌های قانونی و برخی اختلاف دیدگاه‌ها، فاصله نسبتاً زیادی وجود دارد. در دوره اخیر، این مهم توسط نهادهای حقوقی و سازمان‌های ذیربط مورد توجه و تأکید بیشتری قرار گرفته است و اقلیت‌ها در جمهوری اسلامی ایران در زمینه برخورداری از حقوق قانونی خود، از موقعیت مطلوب‌تری نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر برخوردارند.

واژه‌های کلیدی: اقلیت‌ها، اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی، اسلام و اقلیت، قانون اساسی، دین و مذهب.

1. b.zarei@ut.ac.ir

2. ali_zeinivand@yahoo.com

3. k.mohamadi@yahoo.com

اندیشمندان علوم انسانی از جمله حقوقدانان، به منظور ایجاد سامان حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در درون کشور، تلاش می‌نمایند تا به مطالعه و بررسی مطالبات گروه‌های اقلیت و شناخت رفتار، علائق، و ارتباط با هسته اصلی و سایر اقلیت‌های درون کشوری پردازند. در این عرصه، موازین و مفاد حقوقی می‌توانند تصویرگر تعادل میان نیروهای قومی و اقلیتی و دولت از یک سو و احتمالاً مسایل داخلی با مسایل بین‌المللی از سوی دیگر باشند؛ همچنین وضع حقوقی اقلیت‌ها می‌تواند هم محرکه تنش و هم فرونشاندن آن تلقی گردد.

مبحث حقوق اقلیت‌ها، از یک لحاظ امری جدید و امروزی است و از جنبه دیگر می‌توان گفت که حداقل در عالم اسلام ریشه‌ای طولانی دارد. در قانون اساسی و اندیشه امام خمینی (ره)، اقلیت‌ها در نظام جمهوری اسلامی همانند سایر افراد در همه چیز مشترک و حقوقشان بر حسب قوانین داده می‌شود (اصل بیستم) و در حکومت اسلامی در رفاه و آسایش هستند (موسوی خمینی، ج ۱۱، ۱۳۷۸: ۲۹). اصل بیستم قانون اساسی به برابری غیر مسلمانان با مسلمانان در همه حقوق انسانی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حکم می‌کند. در این نوشته تلاش بر این بوده است تا ضمن بررسی ابعاد جغرافیایی اقلیت‌ها، جایگاه اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی، دیدگاه اسلام و قانون اساسی ایران، به بحث و بررسی پیرامون جایگاه و حقوق آنان پردازیم.

مبانی نظری اقلیت

اصطلاح اقلیت که غالباً از نظر حقوقی با ویژگی‌هایی چون ویژگی‌های زبانی، قومی، دینی و مذهبی همراه است، دربرگیرنده آن دسته از گروه‌های انسانی است که در شرایطی حاشیه‌ای و در موقعیتی ناشی از فرودستی کمیتی و در عین حال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به سر می‌برند (ژرژ، ۱۳۷۴: ۵). به بیانی دیگر، اقلیت به قسمتی از افراد یک جامعه اطلاق می‌شود که دین، زبان، نوع زندگی و فرهنگ آنان با افراد دیگر جامعه همسان نیست. تعداد افراد اقلیت در یک جامعه ممکن است در مقایسه با اکثریت قابل ذکر نباشد، ولی از نظر حقوقی مواردی وجود دارد که اقلیت به عنوان یکی از مجموعه‌های اکثریت جامعه، می‌تواند دولت نیز تشکیل دهد (شوتاژ، ۱۳۸۶: ۲۱۱). اقلیت یعنی «گروهی





از اتباع یک کشور که از لحاظ ملی، نژادی، زبانی، یا مذهبی از دیگر اقشار مردم متفاوت بوده، از لحاظ تعداد کمترند و قدرت حکومت را در دست ندارند». برخی شرط تحقق مفهوم اقلیت برای گروهی از اتباع یک دولت را روحیه همبستگی و تعاون و ریشه‌دار بودن آنان در کشور محل اقامت، یعنی سابقه طولانی اقامت در کشور و داشتن مثلاً صد سال قدمت، دانسته‌اند.

در اینکه تعریف اقلیت چیست یا چه می‌تواند باشد، همواره بحث و جدل وجود داشته است. در واقع ارائه یک تعریف جامع و مانع برای اقلیت دشوار است، ولی امروزه در بحث‌های سازمان ملل مشخصه‌هایی برای اقلیت ذکر می‌شود و با آن مشخصه‌ها، گروهی به عنوان اقلیت نامیده می‌شوند. این مشخصه‌ها عبارتند از: ویژگی‌های قومی، ملی، مذهبی یا زبانی یک گروه که با گروه‌های داخل در حاکمیت متفاوتند. در حقیقت، برای اینکه جمعیتی به عنوان اقلیت شناخته شود، باید این مشخصه‌ها را داشته باشد:

۱- از لحاظ تعداد کم باشند: اقلیت‌ها قاعداً باید از لحاظ تعداد کمتر از سایر اقشار جمعیت که حکومت را در دست دارند، باشند.

۲- حاکمیت را در دست نداشته باشند: گروه اقلیت، گروهی است که قدرت حکومت را در دست ندارند. گروهی که از لحاظ تعداد کمتر از گروه‌های دیگر است و حاکمیت را در دست دارد، طبعاً مصداق اقلیتی که باید مورد حمایت قرار گیرد محسوب نخواهد شد (Nielsson, 2000: 11).

۳- تفاوت نژادی، ملی، فرهنگی، زبانی و یا تفاوت مذهبی داشته باشند: اقلیت‌ها گروه‌هایی هستند که از لحاظ نژادی، زبانی یا مذهبی با دیگران تفاوت دارند، و البته اقلیت به کسانی گفته می‌شود که اتباع یک کشور محسوب می‌شوند، یعنی افرادی از تبعه یک کشور که از لحاظ نژاد، زبان و یا مذهب با دیگران تفاوت دارند.

در ذیل مبحث مربوط به اقلیت‌ها، رعایت حقوق گروه‌هایی چون مهاجرین، پناهندگان، بومی‌ها و امثال آنها نیز مطرح است؛ هرچند تعریف مصطلح اقلیت شامل آنها نباشد. البته کمیته حقوق بشر در تفسیر نسبتاً جدید خود در سال ۱۹۹۴ در رابطه با ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اعلام داشته که حق داشتن فرهنگ، زبان و مذهب فقط مربوط به اقلیت‌های شناخته‌شده و تثبیت‌شده نیست، بلکه افراد متعلق به گروه‌هایی که کارگران مهاجر را تشکیل می‌دهند نیز شامل می‌شود. کمیته در تفسیر خود شهروند بودن

کشور محل اقامت را به عنوان پیش شرط برخورداری از حقوق اقلیت به حساب نیاورده است.

به باور برخی متفکرین، امروزه دیگر واژه اقلیت آن معنای محدود پیشین را ندارد و کاربرد گسترده تری پیدا کرده است. در این نگاه، مفهوم امروزی اقلیت، مفهومی شمارشی و عددی نیست، بلکه این اصطلاح در مورد همه گروه‌هایی به کار می‌رود که در یک جامعه زندگی می‌کنند اما به علت وابستگی قومی، دینی، مذهبی، زبانی و رفتار و عادات از دیگر افراد آن جامعه متمایز می‌شوند. ممکن است این گونه افراد زیر سلطه باشند و یا از مشارکت در امور سیاسی جامعه کنار گذاشته شوند و یا مورد تبعیض و تعدی قرار گیرند، اما اگر نوعی احساس جمعی و گروهی نیز داشته باشند، اقلیت به شمار می‌روند (خوبروی پاک، ۱۳۸۰: ۲). در واقع، این احساس جمعی، بیشتر هنگامی بوجود می‌آید که این افراد، دارای اعتقادات و تعلقات مشابهی هستند، از سوی اکثریت حاکم تحت فشار و مورد تبعیض قرار می‌گیرند و یا از دست‌یابی به منصب و مقامات منع می‌شوند.

موضوع اقلیت‌ها، با هر تعریفی که از آن پذیرفته شود، امروزه بسیار حائز اهمیت است و بسیاری از حکومت‌ها با این مسئله به‌طور مستقیم و از نزدیک درگیرند و از سوی جامعه جهانی و سازمان‌های حقوق بشر به هر دلیل تحت فشار هستند تا با اقلیت‌های موجود در کشورشان، با مدارا و برابری بیشتری رفتار کنند (بهشتی، ۱۳۸۰: ۷۲).

ارتباط میان اقلیت و گروه حاکم ممکن است به صورت‌های مختلفی باشد و از سازگاری کامل تا مرحله جدایی طلبی تغییر کند. حقوق‌دانان معتقدند در حکومت‌هایی که با گروه اقلیت بر اساس عدل و انصاف رفتار می‌شود و به آنها از جهات فرهنگی و زبانی اختیاراتی داده می‌شود، عدم استقرار و ثبات سیاسی مشاهده نمی‌شود. نکته اصلی در مناسبات بین اقلیت و اکثریت چه در مقیاس جهانی و چه در مقیاس کشوری و سطح ملی یا محلی، خودآگاهی موقعیت اقلیتی نسبت به اکثریت پیرامونی است. بدین معنی که اگر افراد اقلیت در خود احساس کوچکی نسبت به اکثریت داشته باشند، سعی می‌کنند استراتژی سازگاری با اکثریت را در پیش بگیرند و از رویارویی به آن پرهیزند، در این صورت، اقلیت حیات خود را تضمین می‌کند. در حالی که اقلیت ناچیز مناسبات خصمانه با اکثریت را استراتژی خود قرار دهد، بشدت توسط اکثریت سرکوب شده و نابود می‌گردد. اگر اقلیت از وزن سیاسی قابل توجه نسبت به اکثریت برخوردار باشد دچار نوعی احساس



خوداتکایی، جدایی و استقلال سیاسی می‌شود و مطالبات حقوقی و سیاسی خود از اکثریت را به شکل روشن‌تری مطرح می‌کند؛ مطالباتی نظیر خودمختاری، خودگردانی، حقوق شهروندی برابر، و در نهایت، استقلال سیاسی. مسائل، مشکلات و درخواست اقلیت‌ها و بخصوص جنبش‌های جدایی طلب افراطی، به فروپاشی دولت مرکزی و ایجاد دولت - ملت‌های کوچک منجر می‌شود. در بعضی از کشورها زبان، سنت‌های منطقه‌ای و قومی، تنوع فرهنگی اقوام و اقلیت‌های مختلف، به تدریج در حال شناسایی و تأیید است (شوتار، ۱۳۸۶: ۲۱۲).

روش تحقیق

روش مطالعه این تحقیق بر اساس اهمیت و اعتبار آن در جهت‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های کلان جمهوری اسلامی ایران در سطح ملی و بین‌المللی و تأثیری که بر وحدت ملی و انسجام اجتماعی می‌گذارد، روش توصیفی تحلیل محتوا خواهد بود.

قلمرو مطالعاتی این تحقیق، منابع اسلامی از جمله قرآن کریم، کتب و منابع حقوقی، فقهی و فلسفی در ادوار مختلف، کنکاش در نصوص دینی، منابع سیاسی و حقوق بین‌الملل است. در مراحل اجرایی تحقیق با بهره‌گیری از روش قیاس در مقیاس بسیار وسیع سود خواهیم برد. بنابراین پس از گردآوری منابع و استخراج نکات اساسی تأثیرگذار و دسته‌بندی و تنظیم اطلاعات، به تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها پرداخته شده و به کشف رفتار حقوقی جمهوری اسلامی ایران در عرصه داخلی و خارجی نسبت به اقلیت‌های دینی دست یافته‌ایم.

پژوهش فراروی بر این فرض بنا شده است که به نظر می‌رسد اقلیت‌های دینی در ایران از نظر جغرافیای سیاسی، فاقد انسجام اجتماعی میان خود و سایر اقلیت‌ها هستند و این اصل به کاهش وزن سیاسی آنان در مقابل اکثریت ختم می‌گردد و امکان چانه‌زنی سیاسی را کاهش می‌دهد؛ علاوه بر این، آنها از نظر فضایی پراکنده و از نظر تعداد نیز ناچیزند (کمتر از ۱ درصد)، اما با این حال، در جمهوری اسلامی ایران از ابتدا تاکنون در یک سیر تاریخی و بنا به ملاحظات داخلی و بین‌المللی، زندگی سیاسی و اجتماعی آنان دارای فراز و نشیب‌های فراوان و تا حدودی قرین به توفیق بوده است.



اقلیت‌ها در حقوق و اسناد بین‌المللی

پراکندگی اقوام و اقلیت‌ها در کشورها و تعارض اکثریت با اقلیت می‌تواند از یک سو، منجر به تبعیض و نابرابری در برخورداری از حقوق گردد و از سوی دیگر، باعث شود هویت قومی و مذهبی اقلیت و حقوق ناشی از آن نادیده گرفته شود. قبل از تشکیل سازمان ملل و در زمان فعالیت جامعه ملل، پس از جنگ جهانی اول یک نظام حقوقی بین‌المللی حمایت از اقلیت‌ها بوجود آمده بود؛ بدین صورت که در معاهداتی که بین دولت‌ها و جامعه ملل بسته می‌شد، وظایف و مسئولیت‌هایی تعیین می‌گردید که: دولت‌هایی که در آنها اقلیت‌هایی وجود دارد نسبت به آنها تبعیض روا ندارند و حق استفاده از زبان و مذهب خود را به آنها بدهند. اما مسئله رعایت حقوق اقلیت‌ها و تبعیض قائل نشدن نسبت به آنها، از جمله اموری است که بخصوص امروزه سخت مورد توجه و بحث نهادهای بین‌المللی حقوق بشری است. تمهیداتی برای رعایت حقوق اقلیت‌ها و تأمین همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام مختلف اندیشیده شده است و گاه نیز جهان مخصوصاً در این دهه اخیر، شاهد برخوردهای خصمانه و خشونت‌بار و ویرانگر گروه‌های مختلف و یا اقدام گروه اکثریت برای پاکسازی قومی اقلیت بوده است (Laponce, 1987: 44). جامعه ملل به‌عنوان ضامن اجرای این تعهدات محسوب می‌شد و یک کمیته ۳ نفره برای بررسی ادعاهای مربوط به نقض حقوق اقلیت‌ها تشکیل شده بود.

پس از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل، اسناد مختلف به نحو عام و یا به صورت خاص، مسئله رعایت حقوق اقلیت‌ها را مورد توجه قرار دادند (Thornberry, 2001: 56). اگرچه در منشور ملل متحد (۱۹۴۵) و اعلامیه جهانی حقوق بشر در ابتدا، نامی از اقلیت برده نشده، ولی بر تساوی همه افراد بشری و برخورداری آنان از حقوق و آزادی‌های اساسی بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب تصریح شده است (مقدمه و مواد ۱۳، ۵۵ و ۷۶ منشور ملل متحد و ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر). همین عنوان عام و کلی در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد هم آمده است (ماده ۲ هر دو میثاق). در همین راستا، به کنوانسیون حقوق کودک نیز می‌توان اشاره کرد که در آن هم به رفع تبعیض از هر حیث اشاره شده است (ماده ۲).

می‌توان گفت موضوع حقوق اقلیت‌ها به‌طور شفاف و عملی از طریق سازمان ملل، از



فصلنامه علمی-پژوهشی

۵۴

سال سوم،
شماره اول،
بهار ۱۳۹۲



دهه ۶۰ میلادی دنبال شد و تأمین حقوق آنها به صورت ویژه‌ای مورد توجه قرار گرفت. برخی از اسناد بین‌المللی نیز با همکاری آن سازمان، حقوق دانان و دولت‌ها، به‌طور مشخص و ویژه به حقوق اقلیت‌ها اختصاص یافت که از آن جمله می‌توان اسناد زیر را برشمرد: کنوانسیون محو هرگونه تبعیض نژادی مصوب سال ۱۹۶۵ مجمع عمومی، کنوانسیون منع و مجازات ژنو سال (۱۹۴۸)، کنوانسیون ضد تبعیض در تعلیم و تربیت (یونسکو ۱۹۶۰)، مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ در مورد تبعیض در استخدام و اشتغال (مصوب سازمان بین‌المللی کار) (۱۹۸۵)، اعلامیه محو هر نوع نابرابری و تبعیض بر اساس مذهب (مصوب ۱۹۸۱ مجمع عمومی) و اعلامیه مربوط به حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، نژادی، مذهبی و زبانی مصوب سال ۱۹۹۲ مجمع عمومی. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، علاوه بر مقررات کلی مربوط به رعایت حقوق همه افراد بدون تبعیض از لحاظ نژاد، زبان و مذهب و مخصوصاً مواد ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۲۵ و ۲۶، در ماده ۲۷ مشخصاً از اقلیت‌های نژادی، مذهبی و زبانی نام برده و حق برخورداری آنان را از فرهنگ و دین خاص خود به رسمیت شناخته است. در اسناد متعدد بین‌المللی، علاوه بر توجه و تأکید اعلامیه جهانی حقوق بشر (بند ۱ ماده ۲) و دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۲) و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۲) نسبت به برخورداری همگان، بدون هرگونه تمایز قومی از کلیه حقوق، در کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نژادی به تبیین این اصل پرداخته است (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۸۳). کمیته حقوق بشر، در تفسیر نسبتاً جدید خود در سال ۱۹۹۴ در رابطه با ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اعلام داشته که حق داشتن فرهنگ، زبان و مذهب فقط مربوط به اقلیت‌های شناخته شده و تثبیت شده نیست. بلکه افراد متعلق به گروه‌های جدید مثل گروه‌هایی که کارگران مهاجر را تشکیل می‌دهند را نیز شامل می‌شود. نکته دیگر اینکه حقوق اقلیت‌ها در مجامع بین‌المللی از دو جهت مورد توجه قرار می‌گیرد؛ یکی از جهت عدم تبعیض در اعمال حقوق و آزادی‌های اساسی نسبت به آنها و دیگر از جهت حفظ هویت قومی، فرهنگی و مذهبی آنها. دو ماده در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی وجود دارد که اولی ناظر بر حکم کلی رفع تبعیض و دومی وجهه دیگر حقوق اقلیت‌ها را بیان می‌دارد (هاشمی، ۱۳۹۰: ۵۴۰). ماده ۲۷ اشعار می‌دارد:

«در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی، یا زبانی، وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خاص

خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند».

اعلامیه مربوط به حقوق افراد وابسته به اقلیت‌ها مصوب سال ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل، به نحو مشخص‌تر و روشن‌تری توجه به حفظ هویت اقلیت‌ها را بیان کرده که البته هنوز در سطح اعلامیه است و عنوان معاهده به خود نگرفته است. ماده ۱ این اعلامیه می‌گوید:

«دولت‌ها باید از موجودیت و هویت اقلیت‌های ملی، نژادی، فرهنگی، مذهبی و زبانی واقع در قلمرو خود حمایت نموده و شرایط وضعیت مربوط به ارتقاء و رشد هویت آنها را تشویق نمایند».

عضویت ایران در منشور ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون بین‌المللی منع مجازات ژنو، کنوانسیون رفع تبعیض نژادی، کنوانسیون رفع تبعیض در امر تعلیمات و غیره، موجب تعهدآور شدن الزامات این کنوانسیون‌ها برای کشور ما نیز می‌شود (فاطمی، ۱۳۸۳: ۶۰). اعلامیه حقوق افراد وابسته به اقلیت‌های ملی، مذهبی، نژادی و زبانی با یادآوری مقدماتی در دیباچه خود، به اهداف ملل متحد پیرامون حقوق و آزادی‌های انسانی همه افراد بدون هرگونه تبعیض اشاره و در بند ۱ ماده ۳ اعلام می‌دارد:

«دولت‌های عضو، کلیه اقدامات لازم را هر جا که ضروری باشد، برای اطمینان افراد متعلق به اقلیت‌ها در تأمین و اعمال مؤثر حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی آنان و برابری در مقابل قانون، بدون هیچ‌گونه تبعیضی اعمال خواهند نمود» (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

همان‌طور که در ابتدا نیز اشاره شد، امروزه حقوق اقلیت‌ها از دو جهت مطرح و مورد توجه است: یکی از جهت عدم تبعیض در اعمال حقوق و آزادی‌های اساسی نسبت به آنها و دیگری از جهت حفظ هویت قومی و فرهنگی و مذهبی آنها. بحث‌ها و مناقشاتی هم که در مورد تعریف اقلیت و صدق عنوان اقلیت بر گروه‌هایی از افراد وجود دارد، عمدتاً ناظر به همین شق دوم، یعنی حفظ هویت خاص آنهاست، و گرنه از لحاظ عدم تبعیض و برخورداری از حقوق و آزادی‌های اساسی، از لحاظ اسناد بین‌المللی نسبت به همه افراد بحثی وجود ندارد. برای نمونه، نقل دو ماده ۲۶ و ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که اولی ناظر به حکم کلی رفع تبعیض و دومی وجهه دیگر حقوق اقلیت‌ها را بیان می‌نماید، خالی از فایده نیست. ماده ۲۶:



«تمام افراد در مقابل قانون برابر هستند و بدون تبعیض، مستحق حفاظت (حمایت) مساوی در مقابل قانون می‌باشند. قانون باید هر نوع تبعیض را مانع شود و برای تمام افراد حفاظت‌های (حمایت‌های) مؤثر و مساوی را علیه هر نوع تبعیض و در هر مرحله‌ای مانند نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و یا دیگر عقاید، منشأ ملی یا اجتماعی، دارائی، تولد (نسب) و یا هر وضعیت دیگری تضمین نماید» (Banyayara, 2000: 123). ماده ۲۷ می‌گوید:

«در کشوری که اقلیت‌های نژادی، مذهبی، یا زبانی، وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خاص خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند، یا به زبان خود تکلم نمایند».

اعلامیه مربوط به حقوق افراد وابسته به اقلیت‌ها، مصوب سال ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل، به نحو روشن‌تری توجه به حفظ هویت اقلیت‌ها را بیان کرده است. ماده ۱ این اعلامیه می‌گوید:

«دولت‌ها باید از موجودیت و هویت اقلیت‌های ملی، نژادی، فرهنگی، مذهبی، و زبانی واقع در قلمرو خود حمایت نموده، و شرایط و وضعیت مربوط به ارتقاء و رشد هویت آنها را تشویق نمی‌کند» (Nielsson, 2002: 234).

موانع گوناگونی برای حمایت از اقلیت‌ها در سطح جهانی وجود دارد، مانند: نبودن تعریفی منجز که شامل همه انواع اقلیت‌ها گردد؛ دیگر آن که تصور می‌شود تدوین یک نظام ویژه و حقوقی گروهی برای اقلیت، محدودیت‌هایی برای جنبه عام و فراگیر اعلامیه حقوق بشر ایجاد می‌کند؛ و یا این که ایجاد نظامی ویژه برای اقلیت‌ها، اصول دموکراتیک را به خطر می‌افکند؛ و سرانجام این که تدوین حقوق اقلیت‌ها به علت چندگونگی واقعیت‌های زندگی و خواست‌های آنان غیرممکن است. دولت‌ها با استفاده از سه اصل حاکمیت، یکپارچگی سرزمینی و استقلال و همچنین ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد (درباره عدم مداخله در امور مربوط به صلاحیت ملی دولت‌ها)، ابزاری را بکار می‌گیرند تا حمایت بین‌المللی از اقلیت‌ها محدود گردد. با وجود این خودداری دولت‌ها، مقررات و قطعنامه‌هایی در سازمان ملل متحد و در سطح منطقه‌ای به تصویب رسیده است که فرصت بررسی آنها نیست.

حقیقت این است که حمایت از اقلیت‌ها خطری در بر ندارد؛ بلکه آن نظریه سیاسی که هر نهاد حقوقی نوینی را متضمن خطری برای وحدت ملی می‌داند، خطرناک است. صاحبان این نظریات گمان دارند که مقررات ویژه حمایت از اقلیت‌ها، در حقیقت، اجرای اصل ملیت‌ها در سرزمین‌های دولت‌های جدید است که به شکل حقوق فردی برای اقلیت‌ها ظاهر شده است. در حالی که دیدیم هر اقلیتی، اقلیت ملی نبوده و هر گروه ملی‌ای الزاماً اقلیت نیست. فرجام چنین تصویری تئوری دولت‌های ملی تعصب‌گراست که بر خلاف عقل و منطق، حقیقت اقلیت‌ها را مخفی می‌کنند و ناکارایی نظام حمایت از آنها را در داخل کشور خود موجب می‌شوند. گزارش‌گر ویژه کمیسیون فرعی حقوق بشر سازمان ملل متحد در گزارش سال ۱۹۹۲ خود می‌نویسد:

«در هر کشور، نوع ملیت‌گرایی (ناسیونالیسم)، تعیین‌کننده سرنوشت اقلیت‌ها است. ویژگی اساسی قوم - ملیتی، کنار گذاشتن، جداسازی و نیز گاهی بهره‌برداری (...) [از دیگران] است. ... برعکس، مشخصه بارز ملیت‌گرایی بر اساس شهروندی، هم‌آمیختگی، همانندسازی و یکپارچگی است...» (خوبروی پاک، ۱۳۹۰: ۳۳۳).

البته جمهوری اسلامی ایران فراتر از این تعهدات، بر اساس دستورات مؤکد اسلام همواره باید خود را ملزم به رعایت حقوق اقلیت‌ها بداند. اختصاص پنج اصل قانون اساسی به حقوق سیاسی، اجتماعی، دینی و آزادی‌های برابر با آحاد ملت برای آنان، بخشی از این تعهدات است که باید ملزم به رعایت آن باشد. از سوی دیگر، دولت ایران نیز برخی از این اسناد بین‌المللی را که به نحوی به حقوق اقلیت‌ها و عدم اعمال تبعیض در مورد آنها پرداخته‌اند، مورد تصویب قرار داده است و به اجرای مفاد آنها متعهد است، از جمله می‌توان اسناد زیر را برشمرد:

۱. منشور ملل متحد مصوب سال ۱۳۲۴؛ ۲. «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» و «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» مصوب سال ۱۳۵۴؛ ۳. کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات ژنوسید مصوب سال ۱۳۳۴؛ ۴. کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض نژادی مصوب سال ۱۳۴۷؛ ۵. کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۱۳۷۲؛ ۶. مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ سازمان بین‌المللی کار مصوب سال ۱۳۴۶؛ ۷. کنوانسیون رفع تبعیض در امر تعلیمات (یونسکو) مصوب سال ۱۳۴۶ (موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۷).

البته اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز، هرچند اعلامیه است و جنبه تعهدآور معاهده



فصلنامه علمی-پژوهشی

۵۸

سال سوم،
شماره اول،
بهار ۱۳۹۲

را ندارد، نقش و نفوذ عمیقی در جنبه‌های مختلف مربوط به حقوق بشر و در تنظیم کنوانسیون‌های الزام‌آور دارد و دولت ایران نیز از امضاکنندگان و رأی‌دهندگان مثبت آن بوده است (هاشمی، ۱۳۸۵: ۲۳۴).

اسلام و اقلیت‌های دینی

نقش و جایگاه دین و مذهب به‌عنوان زیربنای اصلی نظام اعتقادی شهروندان، بر زندگی سیاسی و روابط فردی و اجتماعی آنان تأثیرگذار است. در این خصوص، نقش تعیین‌کننده دین و مذهب اکثریت ملت و احاطه آن به زندگی اجتماعی اقلیت‌های دینی و مذهبی را نمی‌توان انکار نمود و یا نادیده گرفت، اما حقوق اسلامی و انسانی اقتضا می‌کند که این برتری موجب تضییع علائق و اعتقادات اقلیت نگردد (حقیقت، ۱۳۸۹: ۲۱۲).

در اندیشه سیاسی اسلام و در آراء فقها و مجتهدین، اقلیت‌ها از احترام و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. در نظام حقوقی اسلام، اقلیت دینی به کسانی اطلاق می‌شود که از آئین‌های یهود، مسیحیت و مجوسیت پیروی می‌کنند. این‌ها به اهل کتاب نیز مشهورند و می‌توانند از طریق «قرارداد ذمه» به‌عنوان یک شهروند، در قلمرو حکومت اسلامی زندگی کنند. فلسفه اصلی تشریع عقد ذمه، ایجاد زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقلیت‌های دینی و مسلمانان در جامعه اسلامی است (هاشمی، ۱۳۸۶: ۶۱).

سیاست صلح‌جویانه پیامبر گرامی اسلام و مسلمانان در رفتار با اقلیت‌های دینی، فقط به‌دلیل حزم و احتیاط نبود بلکه این یک حقیقت آشکار و انکارناپذیر است که روح احترام و تسامح در خصوص اهل کتاب را در آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد چرا که اسلام به دلیل احترام خاصی که برای پیامبران الهی قائل است، پیامبران واقعی آنها را نیز به دیده احترام می‌نگرد (سلیمی، ۱۳۸۲: ۹۳). در اندیشه اسلامی، همه آدمیان دارای حق حیات‌اند و نمی‌توان به آنها تعرض نمود. آیات قرآن گواه روشنی بر این مسئله است. در قرآن می‌خوانیم:

«خداوند شما را از کسانی که با شما در کار دین کارزار نکرده‌اند و شما را از خانه و کاشانه‌تان آواره نکرده‌اند، نهی نمی‌کند از این که در حقشان نیکی کنید و با آنان دادگرانه رفتار کنید. بی‌گمان خداوند دادگران را دوست دارد». «خداوند فقط شما را از کسانی که در کار دین کارزار کرده‌اند و شما را از خانه و کاشانه‌تان آواره کرده‌اند و برای راندنتان



همدستی کرده‌اند، نهی می‌کند از این که دوستشان بدارید و هر کس دوستشان بدارد، آناند که ستمکار (مشرک) هستند».

آیات مذکور با توجه به شأن نزول آنها و آیات پیشین و قرائن موجود در خود این آیات، ناظر به مشرکان و بت پرستان است و آنها را به دو گروه طبقه‌بندی می‌کند: پاره‌ای که با مسلمانان سر جنگ داشته و به آزار آنان می‌پرداختند و از هیچ‌گونه کارشکنی ابا نداشتند، و پاره‌ای دیگر که حاضر به زندگی مسالمت‌آمیز با مسلمانان بودند. آیات فوق پیوند دوستی و محبت با گروه نخست را منع کرده و نسبت به گروه دیگر، اجازه داده است. از این رو، پاره‌ای از مفسران، نتیجه‌ای که از آیات فوق گرفته‌اند این است که هنگامی که حکم الهی درباره مشرکان و بت پرستان این چنین باشد، درباره اهل کتاب به طریق اولی ثابت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۸۶).

همچنین از آیات فوق یک اصل کلی و عمومی درباره مناسبات مسلمانان با غیرمسلمانان نیز برداشت شده است که محدود به زمان و مکان خاصی نیست و آن این که: مسلمانان موظفند در برابر هر فرد یا گروه یا جمعیت و کشوری که موضع خصمانه‌ای نسبت به مسلمانان نداشته باشد، بر ضد اسلام و مسلمانان قیام نکنند و دشمنان اسلام و مسلمانان را یاری ندهند، برخورد مسالمت آمیز داشته باشند. حتی اگر جمعیت یا کشوری در صف دشمنان باشند و تغییر موضع دهند، مسلمانان باید آنان را بپذیرند و با آنان دشمنی نورزند و در هر صورت، معیار وضع فعلی آنها است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۸۷).

از نظر حضرت علی (ع) همه انسان‌ها در همه جوامع و اعصار، بدون هیچ‌گونه تبعیض از شایسته‌ترین حقوق برخوردارند. محتوای فرمان حضرت علی ۷ به مالک اشتر به روشنی بر این معنا دلالت دارد؛ آنجا که می‌فرماید: «کلمه ناس، رعیت، عامه و بیان مشابَهت مردم در خلقت، همه گویای این واقعیت است (سیدرضی، ۱۳۶۹: ۱۴۱).

از دیدگاه امام علی (ع) حاکم اسلامی موظف به اعمال محبت و لطف در مورد همه مردم و از جمله اقلیت‌ها می‌باشد. او نباید حالت درنده خوئی داشته باشد و خوردن اموال رعیت خویش را غنیمت شمارد. در این مکتب مردم بر دو نوعند: یا برادر دینی حاکم و یا نظیر او در خلقت. پس جای رفتارهای غیرانسانی نسبت به آنها وجود ندارد (جعفری، ۱۳۷۳: ۳۲۰). امام خمینی (ره) در مباحث فقهی خود آن جا که شرایط اهل ذمه را برمی‌شمرد، به پاره‌ای موارد اشاره می‌کند که در صورت پایبندی اقلیت‌ها به آن قیده‌ها، در



امنیت کامل بسر می‌برند و هیچ شخصی نیز حق تعرض به آنان ندارد. برخی از این شرایط عبارتند از: کاری که با امنیت منافات دارد انجام ندهند - مانند تصمیم به جنگ با مسلمانان و یا کمک به مشرکان -؛ به آنچه نزد مسلمانان زشت و منکر است مانند شراب‌خواری، زنا و خوردن گوشت خوک تظاهر نکنند؛ با محارم خود ازدواج نکنند؛ احکام مسلمانان مانند ادای حق و ترک حرام و نیز اجرای حدود الهی را بپذیرند؛ با سرقت و پناه دادن به جاسوس مشرکان و جاسوسی توسط خودشان، اسباب آزار و اذیت مسلمانان را فراهم نکنند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۴۷۵-۴۵۶).

دولت اسلامی یک دولت دمکراتیک به معنای واقعی است و برای همه اقلیت‌های مذهبی به آزادی قائل است، هر کسی می‌تواند عقیده خودش را اظهار بکند و اسلام جواب همه عقاید را به عهده دارد و دولت اسلامی، تمامی منطق‌ها را با منطق جواب خواهد داد (موسوی خمینی، ج ۴، ۱۳۷۸: ۴۱۰). آنچه از اندیشه سیاسی امام قابل برداشت است: وی ضمن حفظ سنت فقهای پیشین، در مباحث خود به‌عنوان رهبر نظام سیاسی ایران، از آن مباحث تا اندازه‌ای فاصله گرفته و حقوق و مزایای بیشتری را برای اقلیت‌ها به رسمیت می‌شناسد. آنان در جمهوری اسلامی همانند سایر افراد از حقوق برابر و احترام کامل برخوردارند؛ آنان با سایر افراد جامعه ایران در همه چیز مشترک و حقوقشان بر حسب قوانین داده می‌شود و در حکومت اسلامی در رفاه و آسایش و آزادی هستند. «ما طبیعتاً نسبت به عقاید مذهبی دیگران، بیشترین احترام را پس از سرنگونی و دیکتاتوری و استقرار یک رژیم و آزاد می‌گذاریم، شرایط حیات برای اکثریت مسلمانان و اقلیت‌های مذهبی بسیار خوب خواهد بود» (موسوی خمینی، ج ۴، ۱۳۷۸: ۴۱۱).

اقلیت‌های دینی در ایران

در ایران و به‌طور کلی جهان اسلام، اقلیت‌های دینی مشهور و مشهود و علی‌الخصوص ادیان توحیدی و ابراهیمی، ذیل مقوله اهل کتاب یا اهل ذمه جای گرفته‌اند. در ایران از دیرباز تنوع و کثرت ادیان وجود داشته است و در حال حاضر نیز پیروان سه دین زرتشت، مسیحیت (ارمنیان، آشوریان، کلدانیان) و یهودیت در کشور حضور دارند. زرتشتیان از قدیمی‌ترین اقوام ایرانی به شمار می‌روند و با توجه به ظهور زرتشت پیامبر (بین ۱۰۰۰ تا ۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح) قریب ۳ هزار سال قدمت تاریخی دارند. از میان اقلیت‌های

دینی، زرتشتیان نماینده‌ی دین ایرانیان باستان هستند. پس از گسترش اسلام و فتح ایران توسط مسلمانان، اکثر ایرانیان به دین اسلام گرویدند. اما تعدادی از زرتشتیان دین جدید را نپذیرفتند و در دین سابق خود باقی ماندند. هم اکنون بالغ بر ۳۰ هزار نفر زرتشتی در تهران، کرمان، یزد، شیراز و برخی نقاط دیگر در کنار مسلمانان زندگی می‌کنند و در معابد خاص خود آزادانه به انجام مراسم مذهبی می‌پردازند (مشکور، ۱۳۷۲: ۸۰۸).

اکثر مسیحیان ایران را ارامنه و آشوریان تشکیل می‌دهند. اشکانیان که بر منطقه بین‌النهرین تسلط داشتند، نسبت به فرستادگان و مبلغین مسیحی روی مساعد نشان داده و باعث ورود مسیحیت به ایران شدند. فعالیت‌های تبلیغاتی مسیونرهای مذهبی مسیحیت در ادوار مختلف تاریخی، نقش قابل توجهی در گرایش برخی از ایرانیان به آئین مسیح داشته است. در حال حاضر مسیحیان ایران (عمدتاً ارمنی و آشوری) از نظر پراکنش جغرافیایی علاوه بر مناطق مرکزی تهران و اصفهان، بیشتر در شمال غربی ایران (آذربایجان غربی - ارومیه) و جنوب غربی (شوش) متمرکز هستند (Sanasorian, 2000: 34).

یهودیان حدود ۲۷ قرن پیش به خطه ایران وارد شده‌اند. مورخین ایرانی و یونانی معتقدند که کوروش هخامنشی، در سال ۵۳۹ قبل از میلاد، بابل را فتح و یهودیان را که تحت اسارت بابلیان کلدانی به سر می‌بردند، نجات داد (گیرشمن، ۱۳۸۲: ۲۱۶). ملاطفت کوروش نسبت به یهودیان در کسب حقوق ازدست‌رفته‌شان، در کتب تاریخ ثبت است. از آن پس، بسیاری از یهودیان که ایران را محل امنی می‌دانستند به این کشور مهاجرت کردند و در مناطق شوش، نهاوند، همدان، اصفهان و شیراز پراکنده شدند و بیشتر در مشاغل اقتصادی و بازرگانی فعالیت داشته و دارند (مشکور، ۱۳۴۷: ۱۹۲). اقلیت کلیمی در میان گروه‌های اکثریت پراکنده‌اند و فاقد فضای جغرافیایی پیوسته و اختصاصی‌اند (حافظ‌نیا ۱۳۸۱: ۱۵۰).

اقلیت‌های دینی در قانون اساسی ایران

قانون اساسی هر کشور مبنای عمل و میثاق ملی و منشور همبستگی و انسجام اجتماعی است و همه خود را موظف به عمل بر طبق آن می‌دانند. در وضعیت فعلی ایران و با توجه به قانون اساسی ایران سه مقوله مربوط به اقلیت‌ها را می‌توان از هم تمیز داد: اقلیت دینی (زرتشتی، یهودی و مسیحی)، اقلیت مذهبی (تسنن حنفی، مالکی، حنبلی و مذهب زیدی)

و اقلیت قومی (که اسامی آنها ذکر نشده اما در اصول خاصی به آنها اشاره شده، مانند اصول ۱۹ و ۱۵). صفت اقلیت قومی (بنا به اصل ۱۹ قانون اساسی، قوم، قبیله، رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها) با صفت اقلیت مذهبی و دینی قابل جمع است و در عمل نیز چنین جمعی وجود دارد. برای مثال ارامنه ایران ضمن آن که از لحاظ دینی مسیحی (مذهب گریگوری) می‌باشند، دارای زبان و فرهنگ متمایزی نیز هستند (قومیت). پس می‌توان انتظار داشت که برای هر کدام از این «لایه‌های هویتی» حقوق خاصی در نظر گرفته شده باشد. بنابراین می‌توان حقوق هر کدام از این سه دسته را جداگانه بررسی کرد. در ذیل به شرح مهم‌ترین نکات مربوط به جایگاه اقلیت‌های دینی در قانون اساسی می‌پردازیم:

۱- برابری اقلیت‌ها دینی با دیگر آحاد جامعه

قانون اساسی در بخش اعظم اصول مربوط به حقوق افراد و آزادی‌ها، از فرد بدون تمایز خاص (حتی زن و مرد و یا با اعلام هر دو) سخن می‌گوید و بنابراین محمول آن، همه ملت و از جمله اقلیت‌های دینی بوده است، اما دست‌کم در اصول ۱۹ و ۲۰ به صراحت از این برابری یاد می‌شود. قانون اساسی در اصل نوزدهم آمده است که «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود» و در اصل بیستم پس از تأکید حمایت یکسان قانون از «افراد ملت»، با قید رعایت «موازین اسلام»، برخورداری یکسان از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برای همگان به‌طور یکسان مقرر می‌دارد (قانون اساسی، ۱۳۶۸: ۶۷). مجلس شورای اسلامی در دی ماه ۱۳۸۲ برابری دیه اقلیت‌های مذهبی نسبت به مسلمانان را تصویب نمود و پس از آن در مجمع تشخیص مصلحت نظام تأیید شد و مورد قبول بسیاری از علماء و رهبری نیز قرار گرفت. این کار انسانی و ارزشی مورد استقبال اقلیت‌ها و مجامع حقوقی و بین‌المللی واقع شد.

۲- آزادی در پایبندی به عقاید دینی خود و عمل به شعائر آن

اصل سیزدهم قانون اساسی به بیان این حق اقلیت‌های دینی اختصاص یافته و در آن مقرر شده که اقلیت‌های دینی شناخته‌شده، با رعایت حدود قانونی، در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند. در این اصل، علی‌القاعده منظور از احوال شخصیه باید همان باشد که در اصل پیشین (اصل دوازدهم) آمده است که شامل ازدواج، طلاق، ارث و وصیت می‌شود. منظور از تعلیمات دینی هم



باید آموزش تعالیم دینی اقلیت مربوطه در مدارس و یا مراکز خاص آن اقلیت باشد. همچنین در یکی از آرای وحدت رویه قضایی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۶۳ به ماده واحده «اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم» اشاره شده و در آن رأی آمده است که جز در مواردی که مقررات راجع به انتظامات عمومی باشد، باید قواعد و عادات مسلمة و متداوله در مذهب آنان در دادگاه‌ها رعایت شود (هاشمی، ۱۳۸۱: ۳۴۰).

۳ - حقوق اجتماعی و سیاسی اقلیت‌های دینی

تشکیل انجمن‌ها و نهادهای مختلف برای پیشبرد اهداف و آمال دینی اقلیت‌ها (البته با قیودی که برای همه شهروندان وجود دارد) در قانون اساسی مقرر شده است. در اصل بیست و ششم در بیان آزادی تشکیل احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های اسلامی، از انجمن‌های اقلیت‌های دینی نیز سخن به میان آمده است. این حق است که از آن به آزادی تشکل و تحزب نام برده می‌شود. هم چنین در خصوص عضویت اقلیت‌های دینی در انجمن‌ها و اصناف نیز قانون اساسی منعی را روا نداشته است. غیر از تشکیل جمعیت و انجمن، اقلیت‌های دینی می‌توانند در تشکلهای موجود نیز وارد شده و به فعالیت پردازند - البته به این نکته در مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی تصریح شده است (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۸: ۵۷۴). از سوی دیگر، با توجه به برخی اصول مانند بند ۸ ماده سوم که مشارکت عامه را مقرر می‌دارد و اصل بیستم که ناظر بر برابری آحاد ملت است، و همین‌طور، اصل ششم قانون اساسی که اداره کشور را با اتکاء به آراء مردم می‌داند، روشن می‌شود که حق مشارکت سیاسی اقلیت‌ها برای انتخاب مقامات و مسئولین کشور، همانند دیگر آحاد ملت است. این مشارکت زمانی به کمال می‌رسد که اصل شصت و چهارم قانون اساسی مقرر می‌دارد. زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند (قانون اساسی، ۱۳۶۸: ۵۸).

اگر توجه شود که اقلیت‌های دینی در ایران کمتر از یک در صد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، متوجه می‌شویم که نسبت نمایندگان آنها با توجه به ترکیب جمعیتی، چند برابر میزان متناسب آنها است. این راه یکی از ترتیبات حفظ حقوق و تضمین مشارکت سیاسی گروه‌های اقلیت محسوب می‌شود که در اصطلاح، کرسی‌های تضمین شده خوانده می‌شود (حسینی بهشتی، ۱۳۸۰: ۲۷۹). این نکته نیز شایان ذکر است که نمایندگان منتخب





اقلیت‌های دینی در مجلس، از همان حقوق و اختیارات نمایندگان دیگر برخوردارند. همچنین نمایندگان اقلیت‌های دینی در مقام سوگند یاد کردن، با ذکر کتاب آسمانی خود این عمل را بجا خواهند آورد و این حرمتی است که به کتاب دینی آنان نهاده می‌شود. اصل چهاردهم قانون اساسی، به تصریح آیات خداوند، غیرمسلمانان را به‌طور عام مورد توجه قرار داده و به رفتار انسانی، همزیستی مسالمت‌آمیز و رعایت حسن سلوک با اقلیت‌های غیرمسلمانان توصیه و سفارش می‌کند.

دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف‌اند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند. تأکید عمده اصل فوق بر رعایت حقوق انسانی اقلیت‌ها از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان است. این حقوق انسانی همچنین با تصریح به اخلاق حسنه و قسط و عدل در این اصل درهم آمیخته است. این تأکیدات و تصریحات از آن روست که در واقع گوهر دین و دیانت، عدالت و عدالت‌گستری است و انبیای الهی نیز برای برقراری و تحقق عدالت تلاش کرده‌اند: «به راستی که پیامبرانمان را همراه با پدیده‌های روشنگر فرو فرستادیم و همراه آنان کتاب آسمانی و سنجه فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند». بدیهی است که در پرتو اندیشه اسلامی نمی‌توان به تبعیض میان مسلمان و غیرمسلمان حکم نمود. بنابراین تحقق عدالت برای همه به یکسان می‌بایست انجام گیرد؛ ارزش‌های اسلامی، نابرابری و بی‌عدالتی میان شهروندان مسلمان و غیرمسلمان را نمی‌پذیرد. البته رعایت انصاف درباره کلیه شهروندان، در قانون اساسی نیز پذیرفته شده است. در واقع تأکیدات قانون اساسی بر جامعه ایران و انسان، خود نشان‌دهنده وسعت دید شریعت اسلام و نیز اندیشمندان مسلمان به مسئله عدالت و انصاف است. در همین زمینه، اصل بیستم به برابری غیرمسلمانان با مسلمانان در همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حکم می‌کند:

«همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند». اصل نوزدهم بر نفی هرگونه تعصب قومی و قبیله‌ای تأکید می‌کند: «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود».

بند هشتم از اصل سوم بر مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش تأکید دارد. از این رو، اقلیت‌ها به‌عنوان مصداق عامه مردم، می‌توانند در تعیین سرنوشت خویش در ابعاد مذکور مشارکت نمایند. این مشارکت هنگامی عملی خواهد شد که زمینه تأثیرگذاری آن در امور مزبور مهیا شود. هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر نماید. در هر صورت، روح کلی قانون اساسی در برخورد با اقلیت‌های دینی و حتی اقلیت‌های مذهبی، مبتنی بر عدالت و انصاف است. این عدالت و انصاف، البته زمینه‌های مشارکت عمومی اقلیت‌ها را در سطح جامعه فراهم می‌سازد و حتی بر آن تأکید و توصیه می‌کند و چنین مشارکتی را حق شهروندان می‌شمارد.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۶۶

سال سوم،
شماره اول،
بهار ۱۳۹۲

نتیجه‌گیری

اسلام و فقه‌های اسلامی از بُعد نظری، جایگاه قابل توجهی در جامعه برای حقوق اقلیت‌ها اعم از قومی، زبانی و دینی قائلند. از نظر فقه‌های اسلامی، اقلیت‌های دینی هیچ محدودیتی در انجام شعائر دینی، حقوق و آزادی‌های خود ندارند. امام خمینی (ره) و بعضی از فقه‌های متأخر اسلامی در متون و منابع دینی خود تلاش نموده‌اند تا این موضوع را به مردم بنمایانند که اقلیت‌ها در یک جامعه اسلامی، مانند مسلمانان از نظر حقوقی و سیاسی با توجه به وزن اجتماعی خود، می‌توانند از حقوق و آزادی و جایگاه سیاسی لازم برخوردار شوند. این موضوع در قانون اساسی نیز گنجانده شده است.

جامعه ملل و سازمان ملل متحد در منشور خود به‌طور صریح و آشکار اصولی را به حقوق اقلیت‌ها اختصاص نداده‌اند، اما در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی و در دوره اخیر، قطعنامه‌های متعددی از سوی نهادهای حقوقی بین‌المللی، از جمله از طرف برخی از ارکان سازمان ملل، به این امر اختصاص یافت و سازمان ملل متحد در این قرن توجه و نظارت بیشتری به حقوق تمامی اقلیت‌ها در جهان دارد.

یکی از بزرگ‌ترین خصلت‌های افتخارآمیز در فرهنگ و جامعه ایرانی این است که فرهنگ و مذهب در این کشور، هرگز زمین مساعدی برای کشت و پرورش تحقیرهای مذهبی و نژادی نبوده است. مسأله اقلیت‌های دینی (مثلاً یهودی‌ها) خود نمونه بسیار گویای این حقیقت است که با حفظ اختلاف نژادی و مذهبی خویش، قرن‌ها در متن جامعه ما جا گرفته‌اند و کمترین ناهنجاری در انطباق با محیط نداشتند و حتی در اعماق بازار ایران که کانون اصلی‌ترین عواطف دینی است، به راحتی پذیرفته شده‌اند و از روابط صمیمانه‌ای با همکاران و همسایگان مسلمان خود برخوردارند. قانون اساسی مشروطه، در قالب اصل‌های قانونی، جایگاه حقوقی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مشخص برای اقلیت‌های دینی در نظر نگرفته است، اما در دوره جمهوری اسلامی، هم اصول متعدد قانون اساسی و هم فقه‌ها و مراجع تقلید (مخصوصاً امام خمینی (ره)) توجه خاصی به حقوق، حدود و جایگاه آنان در ایران اسلامی مبذول داشته‌اند. برابری دیه مسلمانان با اقلیت‌های دینی، یکی از ارزش‌های بالقوه اندیشه اسلامی بود که در این دوره با تعامل بین فقه‌های اسلامی و مجلس شورای اسلامی تعین یافت. شورای مؤسسين قانون اساسی در اصول ۱۹ و ۲۰ به برابری همه مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند اشاره می‌کنند، همچنین اصل



سیزدهم حقوق اقلیت‌های دینی و آزادی آنان در انجام مراسم دینی طبق آئین خود را به رسمیت می‌شناسد و اصل ۲۶ آزادی تشکیل احزاب و انجمن‌های اقلیت‌های دینی و اصل ۶۴، که ۵ نماینده برای اقلیت‌های دینی را مقرر می‌دارند. اگر توجه شود که اقلیت‌های دینی در ایران کمتر از یک درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، آن‌گاه درمی‌یابیم که نسبت نمایندگان آنها در مجلس شورای اسلامی با توجه به ترکیب جمعیتی، چند برابر میزان متناسب با آنهاست. به نظر می‌رسد این یکی از راه‌ها و ترتیبات احترام و حفظ حقوق و جایگاه آنان در ایران است. به همین دلیل ایران در میان همسایگان دارای اقلیت، حداقل اختلاف و تضاد و بیشترین انسجام و وحدت ملی را با آنان داراست. البته حقوق اقلیت‌ها در ایران بی‌تأثیر از شرایط سیاسی داخلی و فشارهای بین‌المللی نیز نبوده است. هرگاه نیروهای سیاسی داخلی اعم از شخصیت‌های حقوقی و سیاسی مسلمان و غیر مسلمان، برای احقاق حقوق اقلیت‌ها فعال‌تر بوده‌اند، توانسته‌اند در برجسته‌تر نمودن اصول قانونی در این زمینه مؤثرتر باشند. البته این موضوع در صورتی تحقق می‌یافت که فقهای اسلامی نیز با فتاوی خود به مدد تصمیمات حقوق‌دانان و سیاست‌مداران بشتابند.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۶۸

سال سوم،
شماره اول،
بهار ۱۳۹۲

کتابنامه

قرآن کریم.

تربیزی، پاتریک (۱۳۷۹) حقوق بین‌المللی و حقوق اقلیت‌ها، علی‌اکبر آقایی و آریتا شمشادی، تهران: نشر سرای قلم.

جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳) اصول حکمت سیاسی اسلام، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱) جغرافیای سیاسی ایران، تهران: نشر سمت.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵) اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات پاپلی.

حسینی بهشتی، سید علی‌رضا (۱۳۸۰) بنیاد نظری سیاست در جوامع چند فرهنگی، تهران: نشر بقیه.

حقیقت، سید صادق (۱۳۸۹) مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران: سمت.

خوبروی پاک، محمدرضا (۱۳۸۰) اقلیت‌ها، تهران: شیرازه.

ژرژ، پی‌یر (۱۳۷۴) ژئوپلیتیک اقلیت‌ها، سیروس سهامی، تهران: سهامی نشر واقفی.

شبرنگ، محمد (۱۳۸۴) منشور ملل متحد، تهران: دانشور.

شبرنگ، محمد (۱۳۷۹) اعلامیه حقوق بشر و عهدنامه وین، تهران: دانشور.

شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۱) حقوق و وظایف غیرمسلمانان در جامعه اسلامی، قم: بوستان.

شوتار، سوفی (۱۳۸۶) شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی، سید حامد رضیی، تهران: سمت.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۰) حقوق اقلیت‌ها براساس قانون قرارداد کتاب، قم، نشر فرهنگ

اسلامی.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶) تهران: انتشارات میزان.

مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ایران ۱۳۵۸.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸) نظریه‌های جدید در روابط بین‌الملل، تهران: نشر سمت.

مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۹) حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: نشر قومس.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۵) تفسیر نمونه موضوعی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

مورفی، الکساندر (۱۳۸۱) تراژدی منازعات بین‌دینی، امیر مهیار، تهران: نشر مرکز.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸) صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۰) تحریر الوسیله، تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۴) بایسته‌های حقوق بین‌الملل، تهران: نشر دراک.

مویر، ریچارد (۱۳۷۹) درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، دره میرحیدر، تهران: نشر سازمان جغرافیایی

نیروهای مسلح.

میرحیدر، دره (۱۳۸۳) اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: نشر سمت.

سیدرضی (۱۳۶۹)، نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات بنیاد نهج‌البلاغه.

هاشمی، سید محمد (۱۳۸۱) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر میزان.

هاشمی، سید محمد (۱۳۹۰) حقوق اساسی و ساختارهای جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر میزان.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی-پژوهشی

Banyura Yusuf (2000) the Search for Identity Religion and Political Violence, Genevaunrisd.

Laponce, Lewis H. (1987) **Levithan in Trouble**, Harper Press.

Nielsson, ted Robert (2002) **Deoplesversus**, Washington Bulsaria, London, harst.

Sanasarian, Eliz (2000) **Religious Minorities in Iran**, New York, Cambridge university press.

Thornberry, Patrick (2001) **An Unfinished Story of Minority**, open society.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۷۰

سال سوم،
شماره اول،
بهار ۱۳۹۲